

اول مهر رسید، زنگ مدارس صدا درآمد. اما زنگ امسال با سالهای قبل متفاوت است. زنگ مدارس امسال زیر هزاران علامت سوال بقدری سنگین است که نمیتواند صدایش همانند سال قبل باشد. شروع مدارس بعد از قیام نوید بخش هزاران تحول و دگرگونی در سیستم آموزش و پرورش کودکان بوده مردم تصور میکردند که بعد از ۵۰ سال دیکتاتوری و تدریس دروس خشک و تهمانده علم در حال زوال کشورهای غربی و تدریس فرهنگ وابسته به امپریالیسم مدارس از این به بعد محیطی جهت کسب دانش و آگاهیهای واقعی برای درک مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای فرزندان این مملکت فراهم خواهد شد.

اولیاء دانش آموزان امیدوار و خوشحال از باز شدن مدارس با وجود بحران و گرانی و هزاران مشکل دیگر ب فکر تامین امکانات تحصیلی فرزندان شان برای آینده بهتر بودند. اما این توهم به زودی به پیوجی گرائید اینک آموزش و پرورش با قرارداد دانش آموزان در زیر بار تعهد نامه ها، مسئولیتها، اخراجها و انحلالها آنها را در نگرانی و تشویش قرار داده است.

مادری که فرزندش ب مدرسه میرود دائما " باید او را نصیحت کند که " فعالیت سیاسی نکند " کتاب خارج از درس به مدرسه نبرد " سوال بیجان کند، انتقاد نکند، هزاران ممنوعیت دیگر که مبادا اخراج شود.

اگر طرحهای ارائه شده از طرف وزارت آموزش و پرورش را بررسی کنیم در میابیم که سال تحصیلی چگونه آغاز میشود و چگونه ادامه مییابد؟ یکی از طرحهای جدید آموزش و پرورش پرداخت شهریه یکسان در سراسر کشور است. این امر برای پدران و مادرانی که تامین مخارج تحصیلی فرزندان شان باری سنگین میباشد واقعا " مشکلی به مشکلات دیگر افزوده است. تحصیل رایگان یکی از حقوق اولیه مردم است. آموزش رایگان بصورت بسیار ناقص در دوران دیکتاتوری شاه اجرا میشده است. اما اینک آموزش و پرورش به جای اصلاح نواقص و برخورد صحیح به سیستم استعماری آموزش و پرورش با تصویب شهریه یکسان در سراسر کشور عملا " راه برای تحصیلات فرزندان زحمتکش مسدود کرده اند و در حقیقت امکانات بیشتری برای خانواده های مرفه فراهم نموده است. بدنبال طرح فوق الذکر دوسره شدن مدارس و از بین رفتن خدمات جنبی در مدارس مطرح گردید که در عمل وزارت آموزش و پرورش از خیر دوسره شدن مدارس ابتدائی گذشت زیرا که این طرح با توجه بسبب مشکل ترافیک مشکلات خانواده ها و دانش آموزان قابل اجرا نبود. اما خدمات جنبی در مدارس که امکاناتی را برای استخدام زنان زحمتکش بیکار که ظهرها در مدارس غذا برای بچه ها تهیه میکردند و سروسبجه ها را تامین مینمودند فراهم میکرد به جای تعمیم هرچه بیشتر آن از بین رفته است.

تحمیل نوع یا رنگ خاصی از حجاب اسلامی برای دختران کوچک و بزرگ خانواده ها بعنوان اونیفورم با توجه به گرانی و تورم موجود در جامعه مشکل تازه های است که به مشکلات خانواده های زحمتکش اضافه شده است.

علاوه بر تمام این موارد گسترش تصفیه های عقیدتی، بازنشسته و اخراج کردن معلمین مبارز، ایجاد تضيیقات برای تدریس معلمان مرد در مدارس دخترانه و معلمین زن در مدارس پسرانه مشکلات بسیاری برای دانش آموزان، معلمین، و بطور کلی آموزش و پرورش بوجود آورده است که دورنمای وضعیت مدارس و آموزش و پرورش جوانان را هرچه بیشتر تیره جلوه میدهد.

ما ضمن محکوم نمودن طرحهای ارائه شده که نه تنها در خدمت مردم محروم جامعه نیست، بلکه در جهت سلب حقوق دموکراتیک دانش آموزان و معلمان و از بین بردن حداقل امکانات رفاهی موجود میباشد، میپرسیم: در جامعه ای که معلم و دانش آموز با تفتیش عقاید، هر آن نگران و منتظر اخراج خود هستند، آیا میتوان فضائی راحت و سالم جهت آموزش و پرورش نونهالان آن جامعه داشت؟ واقعا " این بخشنامه ها و تعهد نامه ها به نفع کیست؟ این سیاستها و عملکردها حاصلی جز افزایش ناراضیتهای مردم و ایجاد زمینه مناسب برای بهره برداری ضد انقلاب امپریالیستی و دارودسته بختیار ندارد.